

مطالعه همه گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹

دکتر جلال شیرزاد *

متخصص پزشکی قانونی، استادیار دانشگاه علوم انتظامی

دکتر امیرمحمد کاظمی فر

متخصص پزشکی قانونی، اداره کل پزشکی قانونی استان همدان

چکیده

زمینه و هدف: طلاق در زمره غم انگیزترین پدیده های اجتماعی است که متاسفانه مطالعات متعدد در کشور ما نشان می دهد آمار طلاق در حال افزایش است. طلاق علل متعددی دارد و هرگز یک علت را نمی توان به عنوان علت اصلی طلاق در نظر گرفت. با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تعیین فراوانی علل اصلی طلاق را مورد بررسی قرار دهیم تا شاید راهکاری مناسب جهت کاهش آن در نظر گرفته شود. **روشها:** در طی سال ۱۳۷۹ از ۴۱۱ زوجی که به منظور طی مراحل قانونی طلاق به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان مراجعه کردند، با مصاحبه بالینی و تکمیل پرسشنامه، اطلاعاتی جمع آوری گردید و سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل آماری شد. **یافته ها:** شایعترین علل طلاق در این مطالعه عبارت از پایین بودن سطح سواد زوجین، شهرنشینی، اعتیاد، نبودن بچه، بیکاری، فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین در زمان ازدواج بود. در این مطالعه علت ۵۰ درصد پرونده های طلاق، اعتیاد بود که متاسفانه نسبت به مطالعات گذشته افزایش آماری چشمگیری نشان می داد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه همانند مطالعات قبلی نشان می دهد که طلاق علل و ابعاد گوناگونی دارد که با شناخت دقیق علل آن و برنامه ریزی لازم در این زمینه ها به ویژه طرح آنها در مشاوره های قبل از ازدواج، می توان از میزان بروز طلاق کاست. از طرفی با توجه به فقر اقتصادی شدیدی که گریبان گیر خانواده ها و به ویژه زنان، بعد از طلاق می شود، باید این افراد از طرف سازمانهای حمایتی، تحت حمایت قرار گیرند. **واژگان کلیدی:** طلاق، ازدواج، علل اجتماعی

مقدمه

کنند، آنها را به دو قسمت مرد و زن تقسیم و در تمام جهان پراکنده کرد. از این روست که انسان همیشه دنبال نیمه گمشده خود می گردد و بعضی مواقع انسان نیمه دوم خود را پیدا نمی کند بلکه نیمه کس دیگر را می یابد.

در متون مختلف دین مبین اسلام ذکر شده است که زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند. پیوند آنها که همانا ازدواج است دارای فواید مختلف جسمی، روانی، تکاملی، اجتماعی و دینی است تا بدان حد که در احادیث با نصف دین برابر شمرده شده است. پس از آنکه پیوند زن و مرد طبق آئین و قرار دادهای رسمی و عرفی برقرار می شود، چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی

در کتاب «خانواده در امروز و فردا» نوشته آلاکوزنتو آمده است: در روزگار ان پیشین طبیعت انسان با امروز بسیار تفاوت داشت. در آن روزگار نه مردی بود و نه زنی، در نتیجه نزاع و برخوردهای خانوادگی نیز وجود نداشت. در آن روزگار مردمانی زندگی می کردند که دو جنسی بودند. آنها بی اندازه خوش قیافه، عاقل و مهربان و همچنین بی نهایت قوی بودند. در یک روز آفتابی توجه زئوس خدای خدایان (در افسانه های قدیمی یونانی) به این طبقه از موجودات معطوف گشت و از ترس اینکه مبادا آنها خیلی قدرتمند شوند و ادعای خدایی

اقدام به طلاق و میزان درآمد خانواده جمع آوری گردید. بر اساس آمار اداره ثبت احوال استان همدان در سال ۱۳۷۹ تعداد ۱۸۸۷۴ مورد ازدواج و ۱۵۰۱ مورد طلاق ثبت شده است. پس می توان نتیجه گرفت بیش از یک چهارم اقدام کنندگان به طلاق در آن سال در مطالعه ما شرکت نمودند. پس از جمع آوری داده ها اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

در طی مدت انجام مطالعه مجموعاً ۴۱۱ نفر در این بررسی شرکت کردند. از نظر فراوانی ماهیانه در خواست طلاق، حداقل موارد در اسفند ماه (۱/۷ درصد) و حداکثر موارد در مرداد ماه (۱۵/۶ درصد) مشاهده شد. میزان مراجعه برای درخواست طلاق در حوالی سال نو به طور محسوسی کاهش یافت. میانگین سن خانم ها در زمان ازدواج ۱۸/۸۳ با انحراف معیار ۶/۳۱ سال و میانگین سنی آنها در زمان طلاق ۲۵/۵۸ با انحراف معیار ۸/۲۹ سال بود. در آقایان میانگین سنی در زمان ازدواج ۲۵/۳۱ با انحراف معیار ۷/۵۶ سال و میانگین سنی در زمان طلاق ۳۱/۸۱ با انحراف معیار ۹/۲۱ سال بود. طول مدت زندگی زناشویی از زمان ازدواج تا زمان درخواست طلاق ۶/۷۲ با انحراف معیار ۶/۳۷ سال محاسبه گردید. ۷۱/۲ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن شهر ها و ۲۸/۷ درصد از آنها ساکن روستاها بودند. ۱۹۶ نفر از زوجین (۴۷/۶ درصد) در زمان درخواست طلاق بدون بچه و ۵۲/۴ درصد از آنها حداقل دارای یک بچه بودند. از نظر اشتغال زنان، ۳۴۸ نفر (۸۴/۶ درصد) خانه دار و تنها ۱۵/۴ درصد آنها شاغل بودند. نمودار شماره ۱ وضعیت اشتغال شوهران را در این تحقیق را نشان می دهد. میزان درآمد خانواده ها در ۱۹/۶ درصد نمونه ها خیلی کم، در ۲۸/۲ درصد کم، در ۳۱/۶ درصد متوسط، در ۱۶/۱ درصد خوب و فقط در ۰/۷ درصد خیلی خوب عنوان شده بود.

در ۵۷ پرونده (۱۳/۸ درصد) مرد خواهان طلاق و در ۱۹۴ نفر (۴۷/۲ درصد) زن شروع کننده طلاق بود. در ۱۶۲ پرونده (۳۹/۴ درصد) هر دو نفر درخواست طلاق کرده بودند.

بر اساس گفته زنان، ۱۸۱ نفر شوهران معتاد داشتند که میانگین مدت اعتیاد ۶/۸۷ با انحراف معیار ۴/۶۵ سال بود. نوع مصرف مواد در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. ۴۳/۶ درصد از زنان از سابقه زندانی بودن همسران خود آگاه بودند که علت زندانی شدن آنها به ترتیب شیوع عبارت از اعتیاد (۵۲/۴ درصد)، ضرب و جرح (۱۵/۳ درصد)، قاچاق (۱۳/۵ درصد)، بدهکاری مالی (۶/۵ درصد)، ترک نفقه (۴/۷ درصد) و مسائل منکراتی (۲/۴ درصد) بود.

نتایج بدست آمده در مورد تحصیلات زوجین نشان می دهد که به طور عمده سطح تحصیلات زوجین در حد راهنمایی و کمتر بود (جدول شماره ۱).

۲۲۷ زن (۵۵/۲ درصد) سابقه وقوع مشاجره لفظی منجر به کتک

و اجتماعی با یکدیگر زندگی کنند، به ناچار باید طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا شوند و این حق را دارند که شاید دوباره تصمیم بگیرند تا جفت مناسب و در خور خویش را بیابند.

طلاق در زمره غم انگیزترین پدیده های اجتماعی است. طلاق همانطور که بر جامعه آثار شوم بر جای می گذارد، تعادل انسان ها را ناپایدار می سازد. به درستی می توان گفت هیچگاه مطالعه آسیب شناسی اجتماعی، انحرافات اجتماعی و بزهکاری اجتماعی، بدون شناسایی طلاق امکان پذیر نیست و به تعبیر دیگر هر جامعه که در جستجوی سلامت است باید این پدیده را مهار کند (۱).

بر اساس آمار سال ۱۹۷۷ از هر دو ازدواج در آمریکا یک ازدواج منجر به طلاق گردیده است (۲). متأسفانه در جامعه ما نیز شمار جدایی زن و مرد رو به افزایش است. نرخ طلاق در کل کشور طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ از ۶/۳ در ده هزار به ۸/۵ در ده هزار افزایش یافته بود (۳).

اما چگونه است زوجی که روزی با عشق و تمایل فراوان با یکدیگر ازدواج کرده اند، در زندگی مشترک به نقطه ای می رسند که جدایی از هم را تنها علاج مشکل خود می یابند؟ شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی بر اساس موارد غیر معقول و غیر منطقی، از آغاز طلاق را در بطن خود دارد به نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش بینی است، حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و به انحلال خانواده منتهی نشود، مصداق اصطلاح سوختن و ساختن را دارد.

از اینرو شناخت علل جدایی ها می تواند در برنامه ریزی جهت مشاوره های قبل از ازدواج و پیشگیری از طلاق به کار گرفته شود. با توجه به معضل بزرگ طلاق و اثرات آن بر روی تمام افراد جامعه، هدف از انجام مطالعه حاضر شناسایی علل منجر به طلاق از دیدگاه نزدیک ترین فرد به ماجرا یعنی یکی از زوجین می باشد.

مواد و روشها

این مطالعه به صورت آینده نگر و مقطعی و به مدت یکسال از فروردین ۱۳۷۹ لغایت اسفند همان سال در اداره کل پزشکی قانونی استان همدان انجام گردید. زوجینی که جهت انجام مراحل قانونی طلاق و صدور گواهی عدم امکان سازش به دادگاه ها مراجعه می - نمایند، در اکثر قریب به اتفاق موارد پس از اتمام مراحل قانونی، جهت انجام آزمایش بارداری و اطمینان از عدم بارداری زن به پزشکی قانونی معرفی می شوند. از این رو مراکز پزشکی قانونی یکی از مکانهای مناسب جهت مواجهه با افراد در معرض طلاق و مطالعه بر روی آنها است. در طی سال ۱۳۷۹، کلیه مراجعینی که جهت انجام آزمایش حاملگی با هدف طلاق به مراکز پزشکی قانونی استان همدان مراجعه کرده بودند انتخاب شدند و از طریق پرسش نامه، اطلاعات مربوط به سن، طول مدت زندگی زناشویی، تعداد فرزندان، شغل زوجین، علت

جدول شماره ۱- فراوانی نسبی سطح تحصیلات زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹

سطح سواد	مرد	زن
بی سواد	۱۰/۱٪	۹/۳٪
ابتدائی	۳۳/۵٪	۳۲/۱٪
راهنمائی	۳۰/۱٪	۲۸/۲٪
دیپلم	۱۸/۳٪	۲۴/۶٪
فوق دیپلم	۲/۷٪	۱/۹٪
لیسانس	۴/۸٪	۳/۶٪
بالتر از لیسانس	۰/۵٪	۰/۲٪

طلاق را از مهمترین پدیده های حیات انسانی تلقی می کنند. این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و اضلاع جامعه انسانی است. نخست آنکه طلاق یک پدیده روانی است چرا که بر تعادل روانی نه تنها انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می نهد. دوم آنکه پدیده ای اقتصادی است، سوم آنکه طلاق پدیده ای است موثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می نهد چون یک واحد مشروع و اساس تولید مثل یعنی خانواده را از هم می پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد، چون موجب می شود فرزندان محروم از نعمت خانواده تحویل جامعه گردند. نهایتاً اینکه طلاق یک پدیده فرهنگی است.

بر طبق مندرجات نشریه «Principles Fovavital Statistics System» ازدواج به معنی «پیوند قانونی دو شخص از دو جنس مخالف» و طلاق عبارت از «انحلال نهائی و قانونی یک ازدواج، یعنی جدائی زن و شوهر بر اساس حکم دادگاه که به هر دو آنها حق قانونی و یا مذهبی ازدواج مجدد را بر اساس قوانین هر کشور می دهد» است (۳).

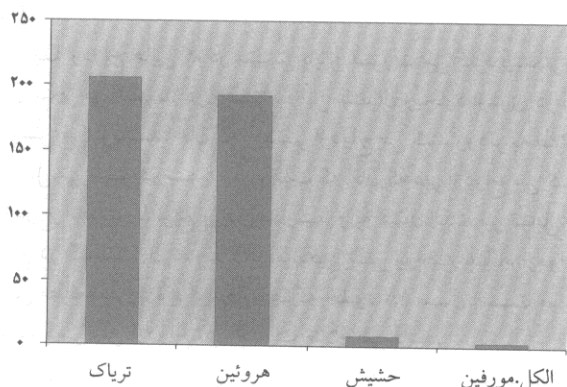
در بنیان هر واقعه اجتماعی، آنقدر عوامل گوناگون وجود دارد که بر شمردن همه آنها اگر تقریباً غیر ممکن نباشد قطعاً امری است بسیار دشوار، زیرا خیلی از عوامل به ملاحظاتی مکتوم و ناشناخته در زیر سرپوشهائی به عنوان اسرار باقی می ماند که بررسی علمی را دچار محقق و محال می سازد (۴).

شاید مهمترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن بیستم شده است، پذیرش اجتماعی روز افزون وقوع طلاق باشد. این تحمل فزاینده، نتیجه کاهش نگرش منفی نسبت به طلاق در کشورهای مختلف است. اگرچه طلاق همچنان به صورت یک امر نامطلوب و ناخوشایند به نظر می رسد اما در بین بیشتر اخلاقیون دیگر گناهی غیر

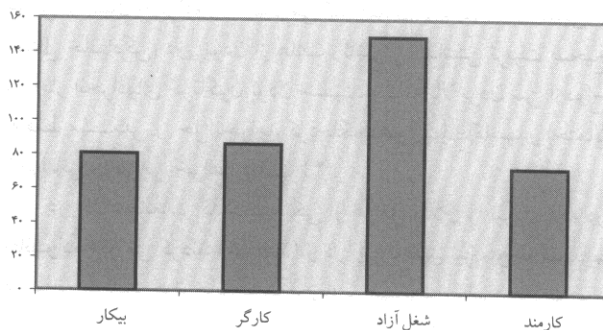
کاری داشتند؛ از این میان ۱۷۸ نفر گزارش کردند که این حادثه ناگوار، بسیار زیاد (بیش از ۱۰ بار) در زندگی آنها رخ داده است. فرد کتک زننده در ۱۴۲ مورد همسر و در ۲۰ مورد همسر و خانواده وی بودند که زن را به طور مکرر مورد حمله قرار داده بودند.

در پرسشنامه از زنان پرسیده شده بود که عامل معرفی و آشنایی با همسرشان چه کسی بوده است. ۱۳۸ نفر از آنها فامیل خود را معرفی کردند، در ۱۲۰ مورد دوستان و در ۹۴ مورد والدین عامل آشنائی بودند. تنها در ۴۹ مورد عامل آشنائی خود زن بوده است.

سابقه اختلاف خانوادگی در والدین زن در ۹/۹ درصد موارد مثبت گزارش شده بود. در ۱۲/۶ درصد سابقه جدائی و طلاق در خانواده زن وجود داشت. این میزان در خانواده شوهر ۳۱/۸ درصد بود.



نمودار شماره ۲ - فراوانی اعتیاد در شوهران زوجین ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان برحسب نوع ماده مصرفی در سال ۱۳۷۹



نمودار شماره ۱ - توزیع فراوانی شوهران زوجین ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان برحسب شغل در سال ۱۳۷۹

برای زنان و شوهران جوان چندان دشوار نیست. تقریباً دو سوم طلاقها بین زنان و شوهرانی روی می دهد که از زناشویی آنان بیش از ده سال نمی گذرد.

با اینکه سن ازدواج در ایران عملاً بالا رفته است این سوال پیش می آید پس چه شد که تعداد طلاق افزایش یافته است؟ بالا رفتن سن ازدواج در ایران نسبت به گذشته معلول متعدد اقتصادی و دگرگونی اجتماعی و گرایش به تحصیلات عالی و حصول تخصص و از جمله سختگیری والدین، توقعات بی جای آنان و رسوم اجتماعی است (۴).

در این بررسی مشخص گردید که حدود ۴۲ درصد جمعیت استان همدان شهر نشین هستند در حالیکه ۷۱/۲ درصد از افراد مورد مطالعه این تحقیق ساکن شهرها بودند. در حقیقت همانطوریکه در این تحقیق و مطالعات مشابه گذشته نشان داده شده است، شهر نشینی یکی از عوامل مهم بروز طلاق است (۸،۹). آمار بسیاری از کشورها و کشور خودمان ایران نشان می دهد که طلاق در میان شهرنشینان بیشتر از روستائیان است. میزان طلاق خاصه در نواحی صنعتی و کارگری، به علت گسیخته شدن پیوندها و سنتها و حشتناک است و برعکس اختلاف زن و شوهر در میان روستائیان پاکدل به ندرت منجر به طلاق می شود. محیط روستائی کانون خلوص، صفا و یکرنگی است، حال آنکه شهریان در دوستی همواره پایدار نیستند و گاهی آنچه بر زبان می آورند غیر از آن است که در دل دارند. مردم روستائی متجانس تر و همانندتر از شهرنشینان هستند.

سن ازدواج در میان روستائیان به مراتب پائین تر از شهریان است. جوانان روستائی اغلب در سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی همسران آینده خویش را با آشنائی کامل برگزیده اند. حال آنکه متوسط سن ازدواج در شهرها از ۲۵ سالگی گذشته است. تعداد جوانان مجرد شهری ۲۵ تا ۴۰ سال کم نیست.

گمان می رود که این واقعیت جوابی برای آن دسته از جامعه شناسان باشد که سن کم ازدواج را موجهی برای طلاق شمرده اند. بالا بردن سن ازدواج وسیله ای برای تحکیم خانواده به نظر نمی رسد. عاملی که بنیان خانواده را سست می کند فقدان محبت، عدم آشنایی به مسائل خانوادگی، دور بودن از هدف زناشویی، نداشتن تربیت صحیح و دچار انحرافهای گوناگون بودن است، و گرنه بالا بردن سن ازدواج نه فقط مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه دشواریها، ناکامیها و احتمالاً انحرافات را در پی خواهد داشت (۴).

در اکثر مطالعات گذشته، یکی از عوامل طلاق را نبودن بچه در خانواده ذکر می کردند (۸، ۷، ۱) و در این تحقیق نیز متوجه شدیم قریب به پنجاه درصد خانواده ها فرزند نداشتند. بر اساس آمار موجود میزان طلاق در خانواده های چند فرزندی (بیش از سه فرزند) کمتر است ولی متأسفانه در این مطالعه بدان پرداخته نشده است. از طرف دیگر معضل بزرگ دیگری که در اینجا خودش را نشان می دهد بچه های طلاق هستند. همانطورکه از این آمار بر می آید در استان

قابل بخشش جلوه داده نمی شود (۵).

به طور اجمال علل افزایش طلاق را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱ - ظاهر شدن تدریجی مشکلات مالی که ممکن است قسمتی از آن به علت هزینه های مراسم ازدواج باشد.
- ۲ - عدم توافق اخلاقی: ناهماهنگی زن و شوهر از نظر خصوصیات اخلاقی یا نداشتن توافق اخلاقی زندگی مشترک را به دوزخی جان سوز بدل می سازد.
- ۳ - اختلالات جنسی، نازائی زن یا شوهر و یا ناتوانی مرد: نداشتن فرزند خواه بر اثر عقیم بودن شوهر و یا نازائی زن ممکن است منجر به انحلال نکاح گردد؛ زیرا وجود فرزند در خانواده، به ویژه فرزند خردسال به مثابه پیوندی است بین پدر و مادر. بی فرزندی آرزوی خلایق را بر نمی آورد و آدمی را دچار کمبود و خلاء عاطفی می سازد و از این رو باعث سستی خانواده می شود.
- ۴ - عدم علاقه و احتمالاً کراهت طرفین از همدیگر مثل ازدواج های فامیلی، مصلحتی و تحمیلی که به تدریج ظاهر می شود.
- ۵ - ازدواج در سنین پائین و عدم تناسب سنی ازدواج: بعضی از محققین دریافته اند که ازدواج های نارس یا ازدواجهای که در سنین پایین تر صورت می گیرد به مراتب سست تر از ازدواجهائی است که زن و مرد با بینش و بصیرت بیشتر بدان مبادرت می ورزند.
- ۶ - دخالت دیگران به ویژه خانواده ها هر چند معمولاً نوعی مصلحت اندیشی است.

۷ - کوتاه بودن زمان آشنائی قبل از ازدواج

۸ - زندگی در خانواده هایی که در آنها والدین ازدواج موفق نداشتند.

۹ - عدم ثبات فرهنگی، داشتن عقاید و دیدگاههای متفاوت مذهبی، اجتماعی و سیاسی.

همانطور که در این مطالعه نیز مشخص شد، طلاق علل مختلفی دارد که این مهم در تحقیقات مشابه گذشته نیز دیده شده است (۸-۴، ۱).

آیا ازدواج هایی که در سنین پایین صورت می گیرد بیشتر به طلاق منجر می شود؟ در پاسخ به این سوال ویچارد اودری در اثر معروفش می نویسد: آنان که زودتر ازدواج می کنند زودتر به طلاق متوسل می شوند. شاید بدان علت که آنان که دیر ازدواج می کنند از ازدواج انتظار یا توقع زیادی ندارند و به همان علت نیز تمایل به تسریع در گسست آن ندارند (۹). میانگین سنی زوجین هنگام ازدواج در این مطالعه به ویژه برای خانم ها که حدود ۱۸ سال است موید دخالت کمی سن ازدواج در حدوث طلاق می باشد.

ازدواج در سنین پائین تحت فشار شدید و فوق العاده تمایلات طبیعی صورت می گیرد و بی شباهت به ازدواج های عشقی نیست. طبق توجیه مؤلفان زمینه جامعه شناسی علت کثرت طلاق در بین زنان و شوهران جوان این است که ازدواجهای مجدد یا تجدید خانواده

در تحقیق دیگری هم نشان داده که میزان سواد متغیر مهمی در بهبود یا وخامت عملکرد خانوادگی می‌تواند تلقی شود (۱۳). به عبارتی هرچه سطح تحصیلات زوجین بالاتر باشد واکنش آنها به موقعیتهای زندگی با احساسات مناسب تری همراه است و از توانایی حل مشکلات خانوادگی به میزان بالاتری برخوردارند. بدینسان به نظر می‌رسد سواد همانند یک عامل آگاهی بخش عمل می‌کند و بی‌سوادی و مرزهای نزدیک به آن بالاترین نسبت طلاق را فراهم می‌سازند.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت طلاق پدیده‌ای اجتماعی و چند عاملی است، از این رو هرگز نه با یک عامل پدید می‌آید و نه با یک عامل از بین می‌رود. برخی از عناصر ممکن است به طور بالقوه طلاق را باشند (مثل فقر، بی‌سوادی، بدگمانی، کمی سن) اما هرگز نمی‌توانند به تنهایی موجب جدایی شوند. گفته می‌شود فقر، جهل و ناآگاهی عوامل موثر بر طلاق هستند، اما تمامی فقرا و بی‌سوادان همسران خود را طلاق نمی‌دهند. باید عوامل یا عناصر دیگر با این پدیده بیامیزند تا از آن طلاق برخیزد.

بر اساس یافته‌های این مطالعه کمی سن، شهرنشینی، بی‌کاری، اعتیاد و فقر فرهنگی و اقتصادی از جمله عوامل مهمی هستند که در بروز طلاق نقش دارند و با برنامه ریزی‌های دقیق در این زمینه‌ها می‌توان از بروز این مساله اجتماعی کاست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- ۱- از آنجائیکه بیشترین افراد (به ویژه خانم‌ها) در گروه‌های سنی جوان و بیشترین درصد آنها هم شهر نشین هستند، بنابراین جهت آموزش و آگاهی یافتن زوجین نسبت به مسئولیت‌پذیری در خانواده‌ها، نیاز به اجرای برنامه‌های آموزشی از طریق وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون است.
- ۲- از آنجائیکه که بیش از ۵۰ درصد خانواده‌ها حداقل دارای یک فرزند هستند توصیه می‌شود که با اجرای برنامه‌های آموزشی، والدین را از عواقب نامطلوب این مساله اجتماعی آگاه نمود تا با گذشت در زمینه مسائل کوچک از بروز طلاق جلوگیری شود.
- ۳- با توجه به سطح سواد زوجین در این تحقیق، اجرای برنامه‌های آموزشی جهت افزایش سطح سواد جامعه جهت پیشگیری از وقوع طلاق لازم است.
- ۴- اعتیاد به مواد مخدر یکی از عوامل عمده ناسازگاری و طلاق است. بنابراین برنامه ریزی دقیق در زمینه کنترل این مشکل اجتماعی لازم است.
- ۵- با توجه به بیکاری و درآمد ناکافی اکثر زوجین مورد مطالعه در این تحقیق، توصیه می‌شود با برنامه ریزی اجتماعی اقتصادی میزان درآمد خانواده‌ها با توجه به هزینه زندگی افزایش یابد.

همدان سالیانه حدود ۷۵۰ بچه از نعمت حضور یکی از والدین محروم می‌شوند و معلوم نیست چند نفر از آنها دچار عوارض بعدی مثل بزهکاری خواهند شد. در این مطالعه در حدود نیمی از موارد در خانواده یکی از زوجین، سابقه طلاق وجود داشت.

در روند طلاق آنچه که دیگر نامی از آن نمی‌ماند و بی‌پناه و متزلزل می‌شود فرزند و یا فرزندان هستند و اغلب آنان دچار مشکلات عاطفی می‌گردند و از این رو موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند. بنابر گفته دکتر حمیدیان، سرپرست مجتمع قضائی خانواده تهران، ۸۰ درصد جمعیت کانون اصلاح و تربیت بچه‌های طلاق هستند (۱۱).

دکتر تابیر در کتاب بچه‌های طلاق می‌نویسد: «بچه‌هایی که تحت کنترل موثر بار نیامده‌اند، نمی‌توانند مثل آنهایی که روش تربیتی صحیح داشته‌اند خود را با زندگی بعد از طلاق سازش دهند (۱۲)». بر اساس نتایج این مطالعه حدود نیمی از شوهران زوجین که طلاق گرفتند از درآمد کافی برخوردار نبودند. بنابراین فقر اقتصادی یکی از علتهای مهم طلاق محسوب می‌شود. ناپایداری در طبقات فقیر بیشتر از طبقات دیگر جامعه است، چرا که سختی اقتصادی مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و او را به برهم زدن زندگی خانواده مجبور می‌کند. بیکاری، مادر تمام عیوب و برای تهیدستان و ثروتمندان هر دو مضر است. در مورد اول فقر، بی‌چیزی و بینوایی را در بر دارد و در مورد دوم نیز خطر کم نیست، زیرا ممکن است مردانی در اثر ثروت فوق العاده یا داشتن ممر در آمد ثابت نیازی به کار کردن نداشته باشند، در نتیجه به خانه نشینی روی می‌آورند و عمری را به بطالت بگذرانند. این گونه مردان بد خو و بهانه جو می‌شوند با مدخله بیجا، ایرادگیریهای ناروا، سخنان گوشه دار و کنایه آمیز زندگی را بر همسرانشان تلخ و غیر قابل تحمل می‌گردانند (۴).

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، فقر اقتصادی شدید زنانی است که از شوهر خود جدا می‌شوند. اکثر زنانی که در این مطالعه شرکت کردند فاقد شغل خارج از منزل بودند، چنانچه این نکته را با فقر اقتصادی حدود نیمی از خانواده‌های مورد مطالعه در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که اکثر قریب به اتفاق این موارد پس از طلاق بیش از پیش با فقر اقتصادی پنجه در می‌افکنند و باید سازمانهای حمایتی نظیر بهزیستی و کمیته امداد آنان را تحت پوشش قرار دهند.

اعتیاد یکی از علل مهم طلاق است. در تحقیقات گذشته اعتیاد تنها در ۱۸ درصد پرونده‌های طلاق دیده شد (۱). اما در این مطالعه حدود نیمی از شوهران در دام اعتیاد گرفتار بودند. لذا نقش اعتیاد در بروز طلاق غیر قابل انکار است. از طرفی اعتیاد خود عواقبی همچون بزهکاری، حبس و از دست دادن درآمد را به دنبال دارد که هر یک از اینها خود می‌تواند سبب طلاق شود. مواد مخدر وسیله‌ای موثر در زوال و نابودی خانواده است.

قریب به یک سوم زوجین تحصیلات ابتدائی و در مجموع بیش از دو سوم آنها تحصیلات راهنمایی یا کمتر داشتند. مشابه این مطالعه

تقدیر و تشکر

- چاپ نهم، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱.
- ۶ - صفائی م. ریشه های طلاق و درسهای خوشبختی. چاپ دوم، تهران، انتشارات مولف، ۱۳۷۳.
- ۷ - ساروخانی ب. طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- 8- A review of statistics on divorce in Iran: [www.NETIRAN.com] ; Available from URL.
- 9- Udry R. Social content of marriage. New york: Lippincott, 1971.

زحمات و همکاری اداره کل ثبت احوال استان همدان، کلیه پزشکان و کارکنان مرکز پزشکی قانونی استان همدان و مدیر وقت این مرکز آقای دکتر ناصر معاضد و سرکار خانم شیر افکن تشکر و قدردانی می گردد.

مراجع

- ۱ - فرجود م ح. آسیب شناسی اجتماعی، سببهای خانواده و طلاق. تهران، نشر منصوری، ۱۳۷۲.
- ۲ - روزنامه کیهان، شماره ۱۶۰۱۸، مورخه ۷۶/۶/۹.
- ۳ - امیر خسروی الف. مرور مقدماتی آمارهای طلاق دهساله اخیر کشور. فصلنامه علمی پژوهشی جمعیت، ۱۳۸۰؛ شماره ۳۵ و ۳۶: ۳۰-۳۲.
- ۴ - کی نیام. مبانی جرم شناسی (جلد دوم)، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۵ - ستوده ه الف. آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات).
- ۱۰ - صدیقی م. زن در آینه آمار. تهران، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۱ - فیضی ح. تاثیر طلاق این حلال نفرت انگیز بر روی کودکان. ماهنامه اجتماعی فرهنگی آموزشی اصلاح تربیت ۱۳۸۲. شماره ۱۷: ۶-۷.
- ۱۲ - تمدن توراندخت. در ترجمه: بچه های طلاق، تابیر (مؤلف). تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۷۷.
- ۱۳ - صابری م، بهاری ف. بررسی مقایسه ای وضعیت خانوادگی خانواده های غیر مطلقه و خانواده های در حال طلاق مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۷۷. طرح تحقیقاتی معاونت پژوهشی سازمان پزشکی قانونی کشور.